

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۰

تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران بر پایه رهنمودهای مقام معظم رهبری (مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، عوامل)

مجتبی درفشان^۱

مهدی اسمعیلی^۲

جلیل نظام‌الاسلامی^۳

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که «تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای^{مدظله العالی} کدام‌اند؟» تلاش دارد به مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران دست یابد. نوع پژوهش توصیفی و از روش تحلیل محتوا با استناد به فرمایش‌ها، تدابیر و فرمان‌های مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای^{مدظله العالی} استفاده شده است. این مقاله جهت‌گیری‌ها، نقاط تأکید و تحلیل معظم له در مورد تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران را دسته‌بندی نموده که نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌ها نشانگر آن است که مؤلفه‌های تهدید سیاسی آمریکا از دیدگاه ایشان اقدامات خصمانه، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش مشارکت، ضعف انسجام سیاسی و ملی، کاهش تأثیرات بین‌المللی و رفتارهای خشونت‌آمیز هستند؛ همچنین شاخص‌های این مؤلفه‌ها را به ترتیب نفوذ، سلطه، توطئه، تجزیه‌طلبی، اخلال در امور داخلی، دگرگونی در آرمان‌های اساسی، تغییر در ارکان سازمان حکومت، کاهش شرکت‌کنندگان در انتخابات، اعلام یا اقدام غیرمعارف برای مشارکت نکردن مردم، اختلاف‌افکنی، اقدامات محرک رشد اختلاف‌ها و درگیری‌ها، اقدامات سیاسی برای منزوی کردن ایران، استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی، شورش و آشوب، کودتا، براندازی و اقدامات تروریستی و بر اساس دو عامل نرم و سخت تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: تهدید^۴، آیت‌اله خامنه‌ای^{مدظله العالی}، تهدیدهای سیاسی، مؤلفه سیاسی، شاخص.

۱. عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم و فنون فارابی (mojtaba.dn90@chmail.com)

۲. کارشناس ارشد اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی، نویسنده مسئول (smaeil.m@chmail.com)

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشکده فارابی (nezam1350@yahoo.com)

مقدمه

جستجوی امنیت از مهم‌ترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آن‌ها به وسیله حکومت و دولت‌هاست. رشد جوامع و خودشکوفایی آن‌ها متکی بر سرمایه‌های انسانی و اجتماعی بوده و این دو، نیازمند امنیت است. اسلام امنیت را در زمره بزرگ‌ترین مواهب الهی قلمداد می‌کند و آن را نعمتی ناشناخته و هم‌تراز سلامتی می‌داند. در قانون اساسی کشور نیز در اصول مختلف به‌ویژه در اصل سوم و بیست و یکم بر ضرورت و اهمیت امنیت تأکید شده است.

در همین راستا برای ایجاد و تأمین امنیت، ضروری است نسبت به شناسایی تهدیدها و پیچیدگی‌های آن در بخش‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌های سخت و نرم اقدام نمود؛ زیرا بدون شناخت تهدیدها نه تنها امنیت کاهش یافته و تأمین نمی‌گردد بلکه زمینه‌ها و قابلیت‌های ملت نیز فرصت بروز و رشد نمی‌یابند. بنابراین یکی از چالش‌های اساسی پیش روی امنیت، موضوع تهدیدها است. البته فقط پرداختن به تهدیدها دغدغه اصلی قلمداد نمی‌شود بلکه شناخت تهدیدها در زمان مناسب موضوعی مهم در این رابطه است؛ چراکه در جهان مادی امروز و باوجود جهان‌بینی‌های مادی، امکان ندارد دشمن جهان‌بینی توحیدی و مشی معنوی داشته باشد. همیشه در دنیا، بین ماده‌پرستان و خداپرستان، جنگ و ستیز بوده است. آنان برای حفظ منافع پست و نامشروع مادی خود و سلطه بر منابع انسانی و ثروت‌های جهان، رو در روی خداپرستان که به دنبال آباد کردن دنیا در سایه توحید، معنویت و عدالت هستند، می‌ایستند و دشمنی از همین تضاد اصولی و اساسی اعتقادی آغاز می‌شود. در این بین کسانی که در جبهه نظام توحیدی و معنوی در جهان قرار دارند یقیناً می‌بایستی در شناخت تهدیدها و روش‌های دشمنی بصیرت کافی داشته باشند تا بتوانند به سمت اهداف متعالی خود حرکت نمایند.

پیدایش انقلاب اسلامی ایران باعث ایجاد رویکرد و بیانی تازه در سطح جهان شد و این امر سبب شد تا قدرت‌های استکباری بین‌الملل برای تضعیف و نابودی ایران تلاش نمایند. انقلاب اسلامی از زمان پیدایش تاکنون با تهدیدها و بحران‌های مختلف و خطرناکی روبه‌رو بوده که با تدابیر و هدایت‌های ارزنده بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و در ادامه، رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} خنثی و اکنون نظام ج.ا.ایران به‌عنوان پرچم‌دار انقلاب اسلامی در پرتو آموزه‌های دینی و قرآنی در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه به‌عنوان شاخص کشورهای جهان شناخته شود؛ بنابراین نظر به کارساز بودن اندیشه‌ها و آراء مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} در حوزه تهدیدها، این پژوهش در پی بررسی مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه معظم له است.

بیان مسئله

مسئله شناخت رابطه تنگاتنگی با تاریخ اندیشه بشری دارد. درواقع عمده هدف تفکر، شناخت پدیده‌ها است. باوجود این وجه مشترک، تلاش‌های اندیشه‌گران برای دستیابی به شناخت منجر به ارائه رویکردهای متنوعی شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع نگریسته‌اند. به‌ویژه اگر موضوع شناخت، مباحث امنیتی و بحث تهدید و شناسایی آن باشد که مسئله پیچیده‌تر خواهد شد. فهم مفهوم امنیت بدون شناخت و توجه صریح یا ضمنی به همزاد آن، یعنی تهدید امکان‌پذیر نبوده و به تعبیر «ماندل»، ایده تهدید در قلب تعریف امنیت قرار دارد و به‌مثابه محور بحث است (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲)؛ ازاین‌رو شناخت تهدید موضوعی است که از دیرباز ذهن رهبران واحدهای مختلف ملی را مشغول کرده است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۰). دستور کار امنیت همواره، بر شناسایی تهدیدها، ریشه‌ها، خاستگاه‌ها و گونه‌شناسی همچنین راه‌های خنثی نمودن و کمینه‌سازی آن‌ها برای بیشینه‌سازی امنیت، آرامش و ثبات، استوار است.

جمهوری اسلامی ایران با ظهور و معرفی آرمان‌های خود، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره مورد تهدیدهای مختلفی به‌ویژه از سوی دولت‌های استکباری قرار داشته است

که این موضوع، لزوم انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در حوزه شناخت تهدید را تأیید می‌نماید.

یکی از عوامل جدی تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، دولت آمریکا بوده که به شیوه‌های گوناگون و در ابعاد مختلف در حال اجرا است. دشمنی آمریکا با ملت ایران با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن یک حکومت دینی برپایه ارزش‌های والای انسانی به رهبری امام خمینی (ره) و تسخیر لانه جاسوسی و بازداشت جاسوسانش همچنین افشای دخالت این کشور در امور داخلی ایران (اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و حمایت از رژیم شاه به اوج خود رسید (رنجبر، ۱۳۸۰: ۱۱). اخراج جاسوسان و مستشاران آمریکایی از ایران ابهت این ابرقدرت غرب را در جهان شکست و به دنبال این وقایع بود که سردمداران آمریکایی توطئه‌ها و تهدیدهای زیادی را برای تسلیم ایران و حتی براندازی حکومت اسلامی به کار گرفتند. اعمال تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه، اقدامات خصمانه علیه ایران از جمله حمایت از ضدانقلاب داخلی، طرح کودتا، تجاوز هوایی و حمله ناکام در جریان طیس، تشویق و حمایت از رژیم بعث عراق برای حمله نظامی به ایران، حمله به سکوهای نفتی، انهدام هواپیمای مسافربری ایران و کشته شدن بیش از دویست و نود نفر انسان بی‌گناه، ادامه و تشدید تحریم‌ها در زمینه‌های مختلف و اقدامات سوء امنیتی، فرهنگی و روانی علیه جمهوری اسلامی ایران در همین راستا قرار دارند که نمونه‌هایی از این اقدامات را می‌توان در زمینه‌سازی و هدایت اغتشاش‌های کوی دانشگاه و فتنه هشتادوهشت آشکارا مشاهده نمود. پس با این وضعیت شناسایی دشمن و سمت‌وسوی تهدید آشکار است ولی موضوع مهم و اصلی شناخت ماهیت اقدامات یا تهدیدهای دشمن است که بارها در بیانات مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی} با عناوینی چون روش‌ها، هدف‌ها، نقشه‌ها، شیوه‌ها، توطئه‌ها و ترفندها از آن یاد شده است. بنابراین با توجه به اینکه بحث تهدیدشناسی در فضای عملیاتی بیش از آن‌که متوجه پرسش‌های نظری باشد نیازمند تعریف و

ارائه شاخص‌هایی است که امکان سنجش تهديد و تعيين ميزان شدت آن را ممکن سازد از اين‌رو سنجش و تعيين شاخص‌هایی برای ارزیابی تهديد‌ها ضروری است.

حوزه مطالعاتی امنیت پژوهی در جامعه ايران از رهگذر رشد و توسعه‌ای که در پانزده سال گذشته یافته، شاهد نتایج ارزشمندی است که ادامه این روند را تائید می‌نماید. البته در این فضا ضرورت و امکان پرداختن به دیدگاه‌های بومی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در همین رابطه مقام معظم رهبري همواره نگاه جامع و ویژه‌ای به مسائل امنیتی داشته است و تأکید فراوانی نیز بر بومی و اسلامی نمودن متون در حوزه‌های علوم انسانی دارند که توجه به این مهم، چراغ راه نظام ج.ا.ايران در شناخت و برخورد با تهديد‌ها بوده و خواهد بود. بنابراین به‌نظر می‌رسد شناخت تهديد‌های سياسي آمريکا عليه جمهوری اسلامی ايران از دیدگاه مقام له یکی از گمشده‌های مباحث مربوط به امنیت نظام مقدس ج.ا.ايران باشد که نویسندگان مقاله برآنند تا با الهام و اتکا به اندیشه‌های ناب ایشان این مهم را به‌عنوان مسئله اصلی پژوهش استخراج و ارائه نمایند.

اهمیت و ضرورت

جمهوری اسلامی ايران در طول تاریخ سی‌وچند ساله خود همواره مورد تهديد‌های مختلفی از سوی جبهه استکبار به سرکردگی آمريکا بوده است که ازجمله مهم‌ترین این تهديد‌ها، می‌توان به بعد سياسي تهديد اشاره نمود. دولت آمريکا به‌عنوان دشمن درجه‌یک ايران اسلامی با توجه به خوی استکباری و استعماری خود تلاش می‌نماید با دخالت در امور داخلی دیگر کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی ايران با ایجاد رژیم‌های دست‌نشانده نسبت به تحمیل ارزش‌های آمریکایی به جهانیان در سایه ایجاد نظام یک‌قطبی و نظم نوین جهانی در عرصه نظام بین‌الملل با مرعوب نمودن دولت‌ها و ایدئولوژی‌های مخالف خود اقدام نماید. اما این دولت از یک نکته اساسی غافل است که در جمهوری اسلامی ايران نقش و تأثیر رهبري در شناخت تهديد‌ها و

شگردهای استکبار و دشمنان نظام از عوامل اصلی پیروزی، هدایت و تداوم انقلاب اسلامی به‌شمار رفته و می‌رود. در شرایط کنونی و به‌ویژه بعد از توافق هسته‌ای نیز که کشور به لحاظ سیاسی در شرایط ویژه‌ای قرار دارد تبیین دیدگاه‌های رهبری در جهت آگاهی مردم و نسل جوان برای خنثی‌سازی تهدیدها و توطئه‌های دشمن و در نتیجه سربلندی و سرافرازی ایران اسلامی و رسیدن به قله‌های توسعه و پیشرفت بسیار مهم و مؤثر است. بنابراین به‌دست آوردن مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} این امکان را برای مسئولان امنیتی کشور متشکل از جایگاه‌های امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... فراهم می‌نماید تا با محور قرار دادن بیانات و رهنمودهای معظم له و شناخت دقیق نوع و شدت تهدیدهای سیاسی و شکل‌های مختلف آن نسبت به تدوین راهبردهای مناسب برپایه بازدارندگی در راستای تأمین منافع و امنیت ملی گام بردارند. هم‌چنین می‌توانند با تشخیص زمینه‌های آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای سیاسی آمریکا، راه‌کارهای مناسب مقابله را برای تأمین حدبیشتری اهداف و افزایش قدرت ملی بگیرند که نتیجه این اقدامات هم‌افزایی ملی در زمینه خنثی نمودن تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ایران اسلامی خواهد بود.

پرسش پژوهش

مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای^{مدظله العالی} کدام‌اند؟

پیشینه

به لحاظ نظری، کتاب‌های فراوانی در زمینه تهدید نوشته شده است، از جمله کتاب کالبدشکافی تهدید نوشته دکتر افتخاری که این کتاب در سه فصل به شناخت، سنجش، گونه‌شناسی تهدیدها به صورت نظری و با رسم نمودار و جدول پرداخته است. در فصل سوم این کتاب تهدیدها بر پایه شاخص‌های یازده‌گانه تشریح شده‌اند که در بخشی از شاخص اول (بعد) به

مبحث تهدیدهای سیاسی پرداخته است. نقطه قوت این کتاب فهم خوبی است که از موضوع تهدید به دست می‌آید ولی در این کتاب موارد کاربردی در حوزه تهدیدشناسی وجود ندارد. کتاب دیگر، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش) نوشته دکتر عبدالله خانی است که این کتاب نیز در دو فصل و سیزده گفتار شناخت‌شناسی و روش‌شناسی تهدیدات امنیتی را به صورت نظری تشریح کرده است. تحلیل برخی روابط امنیتی حاکم بر کشور و به صورت موردی مسئله تهدید آمریکا و سایر مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران و متن ساده، صریح و روان از نقاط قوت این کتاب به شمار می‌آید. اما وارد نشدن عمیق به موضوع تهدید را می‌توان کاستی این کتاب دانست. علاوه بر این موارد، مقاله و پژوهش‌های بسیاری در حوزه تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اما هیچ‌کدام از آن‌ها به طور مستقیم به اندیشه‌های مقام معظم رهبری نپرداخته‌اند.

از جمله این مقاله‌ها می‌توان به مقاله ارزیابی روند ادراک تهدید ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران توسط محمد عباسی در فصلنامه شماره ۳۷ امنیت پژوهی، مقاله تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ج.ا.ایران نوشته زهره پوستین‌چی و محمد بالا زاده در فصلنامه راهبرد دفاعی شماره ۴۴ و مقاله نقش اتاق‌های فکر آمریکا و انگلیس در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی در فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج توسط هادی آجیلی و روح‌ا... قاسمی شماره ۶۶ اشاره نمود. با وجود اینکه در این مقاله‌ها به مباحث کاربردی تهدید علیه ج.ا.ایران توجه شده است ولی به طور مشخص به اندیشه مقام معظم رهبری در موضوع تهدید و تقسیم‌بندی آن توجهی نشده است. بنابراین تمرکز مقاله حاضر از این دید که به اندیشه مقام معظم رهبری در زمینه مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه نظام ج.ا.ایران پرداخته نوآوری قلمداد می‌گردد.

مبانی نظری

تهدید: عبارت است از توانایی‌ها، نیت‌ها و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای جلوگیری از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که دستیابی به این علایق و مقاصد به خطر بیفتد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۲). تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت است از یک عمل یا پیامد یک سلسله از حوادث است که یا طی زمانی کم‌وبیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را مورد چالش قرار دهد یا اینکه گزینه‌ها و دامنه اختیار فراروی حکومت، دولت یا کنشگران غیر حکومتی را به شدت محدود کرده و آن‌ها را در تنگنا قرار دهد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۹). باری بوزان^۱ معتقد است: «مهم‌ترین مفهوم تهدید آن است که متوجه امنیت و منافع ملی می‌گردد؛ به عبارت دیگر تهدید پدیده‌ای است که می‌تواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد» (مرادیان، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

تهدیدها را می‌توان از جهت بعد، سطح، جغرافیا، تعادل، تقارن، پیچیدگی، هویت، جنس، کانون، انگیزه و کار ویژه دسته‌بندی نمود، ولی تقسیم‌بندی تهدیدها با توجه به «بعد» رایج‌ترین رویکرد در تقسیم‌بندی‌ها است که در آن عامل «تهدید» با توجه به حوزه‌ای که تهدید در آن عمل می‌نماید (بعد) مورد شناسایی قرار می‌گیرد. بر این اساس تهدیدها به شکل زیر تقسیم بندی می‌شوند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

تهدیدهای سیاسی، تهدیدهای نظامی، تهدیدهای اقتصادی، تهدیدهای اجتماعی، تهدیدهای زیست‌محیطی و تهدیدهای فناورانه.

تهدیدهای سیاسی: تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۳). این واقعیت که دولت‌ها همانند سایر موجودات دارای هویتی مستقل هستند که می‌توانند مورد تعرض دیگر بازیگران قرار گیرد، از جمله ایده‌های مهمی است که طی تاریخ تحول جوامع بشری – از زمان شکل‌گیری دوره مدنیت به روایت هابز یا لاک تاکنون – مدنظر بسیاری از فلاسفه و

1. Barry Buzan

اندیشمندان سیاسی بوده است. تعبیر صریح هابز مبنی بر این که قدرت و جایگاه کلیه افراد در برابر قدرت و شأن حاکم، فروغی ندارد، بیانگر همین معناست. به عبارت دیگر وی بر این باور است که پس از اقدام به تأسیس دولت از سوی مردم و تبدیل شدن آن‌ها به اتباع، دولت دارای هویت استقلالی است و جایگاه هویت دیگران با آن سنجیده می‌شود. «شأن و عزت حاکم نیز همچون قدرت او باید از شأن و جایگاه هر یک از اتباع و حتی کل اتباع عظیم‌تر باشد؛ زیرا حاکمیت سرچشمه شأن و عزت است... اگرچه آن‌ها [اتباع] وقتی دور از نظر حاکم هستند، برخی بیشتر و برخی کمتر در جایگاه خود می‌درخشند؛ ولی در حضور او بیش از ستارگان در حضور خورشید، درخشش ندارند» (هابز، ۱۳۸۰: ۲۰۰). این ایده سیاسی نزد هگل، بنیادی فلسفی یافته و به فلسفه دولت تبدیل می‌شود که در آن دولت سازواره‌ای بالاتر از تمامی افراد و جامع کلیه خواسته‌های آن‌ها، ارزیابی می‌شود؛ موجودی ماورایی که فرمان‌هایش «دقیقاً همان است که اعضای کاملاً اخلاقی شده آن به دلخواه همچون تکالیف خویش [آن‌ها را] می‌پندارند» (لنکستر، ۱۳۷۰: ۴۰). بر این اساس صیانت از دولت همچون یک ارزش امنیتی مطرح می‌شود و این همان برداشتی است که پیروان نحله «دولت‌گرا» در مطالعات امنیتی بر آن اتفاق نظر دارند.^۱

تعریف ارائه شده از «تهدید سیاسی» براساس دیدگاه بوزان، دلالت بر آن دارد که صیانت عناصر سه‌گانه دولت «ایده، سازمان و منافع» از تعرض‌های بیرونی، بخش محوری امنیت ملی را شکل می‌دهد که از جمله نمودهای بارز آن می‌توان به اعمال فشار به دولت برای تغییر در خصوص سیاستی مشخص، تلاش برای واژگون نمودن دولت، دامن زدن به حرکت‌های جدایی طلبانه، تضعیف دولت و آسیب‌پذیر نمودن آن در برابر تحرکات خارجی و ... اشاره داشت. به عبارت دیگر، هر تهدیدی که به نوعی با هویت، موجودیت یا منافع دولتی خاص مرتبط باشد، تهدیدی

۱. برای آشنایی با رویکرد دولت‌گرا به کتاب امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها نوشته مک‌کین لای و آر لتیل رجوع شود.

سیاسی ارزیابی می‌شود. «رابرت ماندل» در این چشم‌انداز شش فرضیه تهدیدساز را به‌شرح زیر بر می‌شمارد:

۱. هر عاملی که به کاهش انسجام سیاسی در جامعه منجر شود، تهدیدی سیاسی به‌شمار می‌آید.

۲. افزایش خواسته‌های قومی - مذهبی (یا هر گروه خرده ملی) در کشور و تمایل آن‌ها به خودمختاری، یک تهدید سیاسی به‌شمار می‌آید.

۳. تقویت جایگاه گروه‌های بانفوذ در داخل و تضعیف مرجعیت حکومت ملی در کشورهایی که دارای ساختار دولت‌محور هستند، به بروز تهدیدهای سیاسی از داخل منجر می‌شود.

۴. حاکمیت جهانی‌شدن (با روایت یکسان‌سازی رفتاری) به بروز تهدیدهای سیاسی برای قدرت‌هایی که دارای مبادی فرهنگی متفاوتی با بنیادهای فرهنگی وضعیت جهانی شده هستند، منجر می‌شود.

۵. اصلاح نکردن نظام سیاسی متناسب با افزایش آگاهی‌های عمومی و درخواست‌های ایشان به بروز بحران کارآمدی به‌مثابه یک تهدید سیاسی جدی منجر می‌شود.

۶. تنوع فرهنگی - هنجاری در نظام بین‌الملل، منجر به ایجاد ابهام در ایده مشروعیت نظام‌های سیاسی شده و از این ناحیه، بروز بحران‌های سیاسی افزایش می‌یابد.^۱

پیشینه روابط ایران و آمریکا

هرچند میسیونرهای مذهبی آمریکایی در نیمه اول قرن نوزده میلادی وارد ایران شدند اما ورود آن‌ها در راستای سیاست رسمی دولت آمریکا نبود زیرا در این دوره، انزوایی در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار داشت. اولین ارتباط رسمی دو کشور به زمان ناصرالدین‌شاه برمی‌گردد. امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین‌شاه را می‌توان نخستین سیاستمداری دانست که دستور ایجاد رابطه سیاسی با آمریکا را صادر کرد. او در سال ۱۸۴۹ م به میرزا محمدخان

۱. برداشتی از فرضیه‌های شش‌گانه رابرت ماندل در کتاب چهره متغیر امنیتی ملی ص ۱۶۳.

مصلحت‌گذار ایران در اسلامبول فرمان داد تا با نماینده سیاسی آمریکا در آن شهر گفتگو کرده، زمینه بستن قراردادی را فراهم نماید. این قرارداد در نوزده اکتبر ۱۸۵۱ طی هشت ماه به امضاء رسید. این توافق‌نامه به دولت آمریکا اجازه حضور رسمی در خلیج فارس و تأسیس کنسولگری در بوشهر را می‌داد؛ مجوزی که پیش از آن فقط انگلیس از آن بهره‌مند بود. امیرکبیر به دنبال همکاری با آمریکایی‌ها برای تأسیس نیروی دریایی در ایران بود (موجانی، ۱۳۷۵: ۶-۵). امیرکبیر بیش از یک ماه پس از این قرارداد صدراعظم نبود و با دخالت انگلیس اجرای مفاد این قرارداد هم به فراموشی سپرده شد.

آمریکاستیزی در ایران: به‌طور کلی روابط ایران و آمریکا و روند شکل‌گیری آمریکاستیزی در ایران را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

دوره اول، اواخر قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی دوم را در برمی‌گیرد. در این دوره با توجه به راهبردی انزوای طلبی آمریکا، نفوذ این کشور در ایران چندان محسوس نبود و صرفاً به اعطای خدمات آموزشی و بهداشتی و اعزام تعدادی از مستشاران آمریکایی به‌قصد انجام اصلاحات به‌ویژه اصلاح امور مالی در ایران ختم می‌شد.

دوره دوم، از زمان اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم آغاز و تا پیروزی انقلاب اسلامی به‌طول انجامید. نیروهای متفقین رضاشاه را از قدرت خلع کردند و به‌جای وی پسرش محمدرضا را که سازش‌پذیرتر بود به سلطنت رساندند و تا سال ۱۹۴۶-۱۹۴۵ ایران را در تصرف خود نگه داشتند. در این دوره، به‌تدریج نفوذ آمریکا در ایران رو به افزایش گذارد و تعدادی از نیروهای نظامی آمریکا نیز در ایران مستقر شدند.

دوره سوم، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع می‌شود که با توجه به ویژگی استقلال‌طلبی انقلاب و نفی دخالت بیگانگان در امور کشور، روابط دو کشور رو به تیرگی گذارد. گروگان‌گیری، بلوکه شدن دارایی‌های ایران، واقعه طبس، جنگ ایران و عراق و سیاست مهار

دوگانه^۱، سقوط هواپیمای ایرباس، تلاش برای امنیت اسرائیل از جمله عوامل تیرگی روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی قلمداد می‌شود. از نوامبر ۱۹۷۹ مخالفت با آمریکا به یکی از اصول اصلی سیاست خارجی انقلاب ایران مبدل شد و با تسخیر سفارت آمریکا این موضوع بیش‌ازپیش مستحکم‌تر گردید. با آغاز جنگ تحمیلی، ابتدا آمریکا نقش توازن بخشی در تأمین تسلیحات طرفین جنگ داشت ولی با پیشرفت درگیری‌ها، آمریکا بیش‌ازپیش از رژیم بعث عراق حمایت می‌کرد و حمایت سیاسی و تسلیحاتی خود را به دشمن ایران ارائه می‌کرد. در اواخر جنگ تحمیلی نیز آمریکا که از پیروزی صدام تقریباً ناامید شده بود مستقیماً با ایران درگیر شد تا ایران را وادار به پذیرش آتش‌بس نماید. تابستان ۱۹۸۷ اوج درگیری‌های نظامی ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس بود. برخورد یک نفت‌کش غول‌پیکر شرکت تگزاکو با مین‌های کار گذاشته‌شده از سوی ایران، کشته شدن تعدادی از کارکنان نیروی دریایی آمریکا در جریان برخورد بالگردها و جت‌های جنگی‌شان با یکدیگر، پرواز هواپیماهای جاسوسی بر فراز ایران، هدف قرار دادن کشتی ایرانی ایران ارج از سوی آمریکا در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ و شهید شدن سه ملوان ایرانی و هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران به‌وسیله ناو جنگی آمریکایی و شهادت دویست و نود مسافر آن از اصلی‌ترین موارد درگیری میان دو طرف در خلیج فارس بود (فریدمن، ۱۳۸۲: ۷۳). در سال ۱۹۹۳ کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، سیاست مهار دوگانه خود را در قبال عراق و ایران آغاز کرد. این اقدام باعث افزایش فشار آمریکا بر ایران شد و ایران را به‌عنوان کشوری یاغی^۲ معرفی کرد. در آوریل سال ۱۹۹۵ دولت آمریکا مجموعه‌ای از تحریم‌های اقتصادی را بر ایران تحمیل کرد. این تحریم‌ها پس از تصویب قانون تحریم‌های ایران-لیبی در اوت ۱۹۹۶ توسط کنگره آمریکا شکل شدیدتری پیدا کرد و هدف آن تضعیف اقتصاد ایران بود. مهم‌تر از همه، بخش نفت و گاز ایران مورد هدف قرار گرفته بود زیرا این دو بخش در تأمین

1. Dual Cintainment Policy

2. Rouge State

ارز خارجی برای ایران نقش محوری ایفا می‌کردند (زیگرید، ۱۳۸۹: ۳۳۷). پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان، ایران موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود ولی با این حال جورج بوش، در سخنرانی سالانه خود در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲، ایران را در کنار عراق و کره شمالی «محور شرارت»^۱ نامید. بوش در این سخنرانی مدعی شد که ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است. مطرح‌شدن ایران به عنوان محور شرارت و تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت از گروه‌های تروریستی از جمله اتهام‌های آمریکا نسبت به ایران بود. در سال ۲۰۰۸ با پیروز شدن اوباما در انتخابات ریاست جمهوری با شعار تغییر و به‌ویژه سخنرانی سال ۲۰۰۹ وی در دانشگاه قاهره این انتظار می‌رفت که روابط این دو کشور از سطح تنش به حالت متعادل‌تری سوق یابد ولی با وجود گذشت چند سال از به قدرت رسیدن اوباما شاهد تغییر چندانی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نبودیم و عملاً اوباما دنباله‌روی جورج بوش با ادبیاتی متفاوت بوده است. حافظه تاریخی ملت ایران هرگز نمی‌تواند اقدامات منفی و مخرب این کشور را در طول یک قرن اخیر فراموش نماید. سرنگونی حکومت مصدق، حمایت همه‌جانبه از رژیم پهلوی، حمایت مالی، نظامی و سیاسی از رژیم بعث عراق در طول دوران جنگ این کشور با ایران، حمایت‌های همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی، تحریم‌های گسترده نظامی، اقتصادی، سیاسی و... علیه ایران از آغاز انقلاب، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، راه‌اندازی و حمایت همه‌جانبه از وقایع سال ۱۳۸۸ و ... را نمی‌توان از تاریخ روابط این دو کشور پاک نمود.

1. Axis of Evil

رویکردها و گزینه‌ها در کانون‌های تصمیم‌ساز آمریکایی درباره ایران

درمجموع از ابتدا تاکنون چهار رویکرد کلان و نه گزینه راهبردی درباره ایران در مراکز و کانون‌های تصمیم‌ساز آمریکایی شکل گرفته است که بیشتر آن‌ها نیز در مقاطع مختلف گذشته وارد عرصه سیاست‌گذاری درباره جمهوری اسلامی گشته است. چهار رویکرد اصلی عبارت‌اند از:

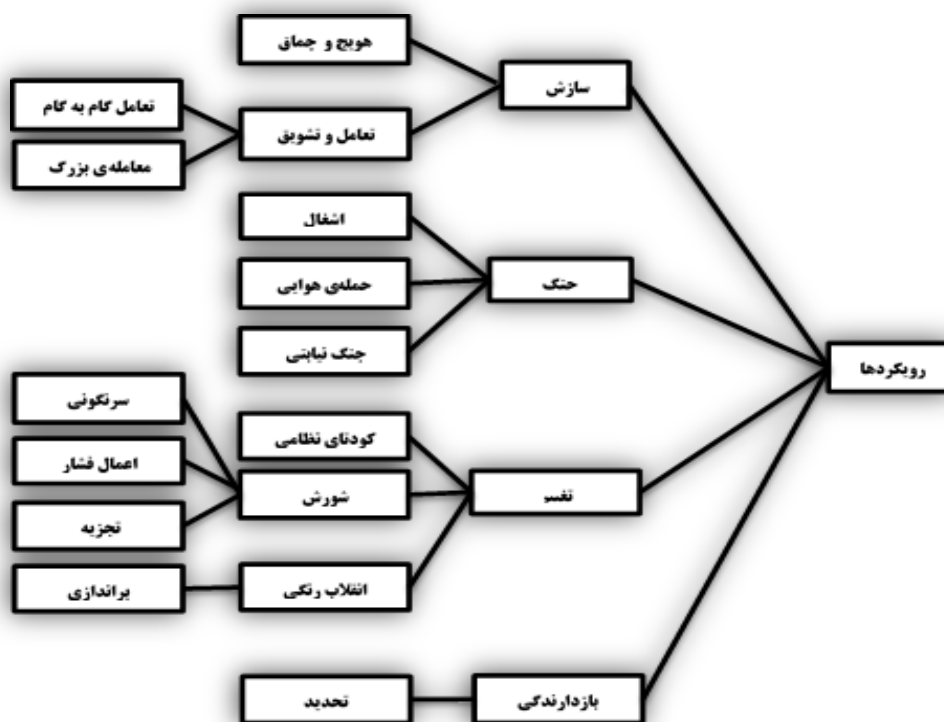
✓ رویکرد سازش: ترغیب ایران به همکاری

✓ رویکرد جنگ: نابودی ایران

✓ رویکرد تغییر از درون: براندازی نظام جمهوری اسلامی

✓ رویکرد بازدارندگی: تحدید ایران

نمودار ۱: رویکردها و گزینه‌های راهبردی آمریکا درباره ایران



رویکرد سازش: رویکرد سازش که با ترکیبی از مصالحه و معامله مطرح شده است، رویکردی دیپلماتیک باهدف ترغیب ایران به همکاری با غرب است. این رویکرد معتقد است که مداخله ایالات متحده باهدف براندازی، می تواند دولت ایران را کاملاً تقویت کند. براساس این رویکرد دولت ایران همه ابزارهای قدرت در کشور را در اختیار دارند؛ بنابراین اگر ایالات متحده خواهان روابط با تهران است باید با دولت حاکم در ایران به توافق برسد.

رویکرد جنگ: این رویکرد بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی اسرائیل در ایالات متحده و راهبردیست‌ها و سیاسیون وفادار به اسرائیل است و ریشه‌های چنین رویکردی به دهه نود و پایان جنگ سرد بازمی‌گردد. در آن زمان نیروهای طرفدار اسرائیل علاقه‌مند بودند که ارتش آمریکا به‌طور مستقیم‌تر در خاورمیانه دخالت نماید؛ اما موقعیت آن‌ها در طی جنگ سرد محدود بود؛ چراکه آمریکا به‌عنوان یک متوازن کننده خارجی در منطقه عمل می‌کرد و بیش‌ترین نیروهایی که برای خاورمیانه طراحی شده بودند، شبیه نیروهای واکنش سریع در خارج از منطقه و حوزه خطر نگهداری می‌شدند. ایده آن‌ها این بود که برای حفظ توازن به نفع آمریکا قدرت‌های محلی علیه یکدیگر بازی نمایند، به‌همین خاطر بود که دولت ریگان از صدام در طول جنگ با جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد. به‌طور کلی لابی اسرائیل و نومحافظه‌کاران حامیان آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود یک راهبرد بلندمدت را در قبال ایران طراحی کرده‌اند. این راهبرد دربردارنده عناصر زیراست:

ایجاد تأخیر: این افراد معتقد هستند ایالات متحده باید به‌واسطه جلوگیری از انتقال فناوری، تلاش‌های ایران را مختل کرده و با تلاش‌های دیپلماتیک و حتی اقدامات پیشگیرانه نظامی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به تأخیر اندازد. ایجاد تأخیر در توسعه توانایی‌های نظامی ایران عنصری مهم از سیاست ایالات متحده در برابر ایران بوده و باید همچنان باقی بماند.

ایجاد بازدارندگی و مهار: در چارچوب این راهبرد، حامیان جنگ چند پیشنهاد دارند، آنان در درجه اول استقرار و بهبود سامانه ضد موشکی را برای کاهش تأثیر سلاح هسته‌ای ایران توجیه

می‌نمایند. در همین راستا پیشنهاد می‌کنند تا با تشدید مجازات و تهدید، قدرت بازدارندگی در برابر جمهوری اسلامی را افزایش دهند.

اجبار به عقب‌نشینی: مرحله آخر راهبرد تقابل‌گرایان برای مقابله با ایران وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به عقب‌نشینی است. تقابل‌گرایان عقب‌نشینی هسته‌ای داوطلبانه از سوی ایران را همانند لیبی، آرژانتین، برزیل و آفریقای جنوبی محتمل نمی‌دانند؛ بنابراین با مطالعه عوامل کلیدی عقب‌نشینی از همچون تغییر سیاسی (مورد آرژانتین و برزیل)، تغییر برداشتها از سودمندی تسلیحات هسته‌ای (مورد آفریقای جنوبی) و فشارها و تشویق‌های خارجی (مورد اوکراین و بلاروس)، بر تغییر سیاسی در ایران پافشاری می‌کنند (Eisentadt, 2006: 2).

رویکرد تغییر از درون: این رویکرد، رویکردی با ماهیت براندازی نظام سیاسی و در برخی موارد همراه با تجزیه بخشی از خاک ایران است. در این رویکرد سه گزینه راهبردی وجود دارد:

۱. گزینه کودتای نظامی

۲. گزینه شورش

۳. گزینه انقلاب رنگی و یا کودتای مخملین.

رویکرد بازدارندگی: آخرین رویکرد مورد استقبال که اتفاقاً از دید زمانی نیز در دوران قبل از انتخابات دهم و در فاصله زمانی دوران پایانی زمامداری بوش و دوران آغازین اوباما شکل گرفته است، رویکرد بازدارندگی است. این رویکرد با توجه به دوره زمانی شکل‌گیری آن و با توجه به ماهیت وجودی رویکرد یاد شده، تقریباً حکایت از ظهور ناکامی و درماندگی آمریکا در رویارویی با نظام اسلامی ایران دارد. رویکرد بازدارندگی، رویکرد سازش، جنگ و تغییر از درون را رویکردهای شکست‌خورده دانسته و پیشنهاد می‌نماید فعلاً آمریکا دست از سر ایران برداشته و سعی می‌نماید به مهار تهدیدهای ناشی از ایران علیه خود با رویکرد بازدارندگی بپردازد. ظهور این رویکرد تا حدود زیادی نشان از موفقیت انقلاب اسلامی در یک دوره سی‌ساله داشته است و چنانچه برائر غفلت، جهالت و خصومت، ظهور و بروز فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری

خرداد ۱۳۸۸ را شاهد نمی‌بودیم، حماسه ظهور در این انتخابات می‌توانست تیر خلاصی به رویکردهای سه‌گانه و گزینه‌های هشت‌گانه آمریکا وارد آورده و برآمدن ایران در خاورمیانه و به‌دنبال آن عقب‌نشینی آمریکا را به‌همراه داشته باشد و در پایان رویکرد چهارمی که بر پایه پذیرش حقوق مسلم جمهوری اسلامی و مداخله نکردن در امور داخلی کشور و همچنین تن دادن به پذیرش منافع ملی جمهوری اسلامی بود را در حلقه‌های فکری و تصمیم‌ساز آمریکایی ایجاد کرده و درنهایت منجر به رسیدن آن به عرصه‌های سیاست‌گذاری در دولت آمریکا گردد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع نظری است و نگارندگان در تهیه این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و فن تحلیل محتوا استفاده نموده‌اند.

بررسی زبان-ابزار ارتباطات میان‌فردی یا میان‌گروهی انسان‌ها-از راه‌های گوناگون انجام می‌پذیرد که یکی از شایع‌ترین آن‌ها روش تحلیل محتواست. منظور از این روش آن است که بتوان براساس آن خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته‌شده را به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به‌طور نظام‌مند شناخت و از آن‌ها نیز درباره مسائل غیرزبانی؛ یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظرها و گرایش‌های وی استنتاج نمود (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

تحلیل محتوا، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباط‌ها به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (راجردی و اردومینیک، ۱۳۸۴: ۲۱۷). تحلیل محتوا، فنی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها می‌باشد، هدف تحلیلی مانند همه فن-های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۵).

در این پژوهش بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} با حذف حواشی واحد ثبت است. همچنین در دو سطح جمله و بند تحلیل محتوا انجام می‌شود. در سطح اول، جملات دارای مضمون مرتبط با موضوع و در سطح دوم نیز بندهای دارای مضمون مرتبط با

موضوع، واحد تحلیل هستند. در این پژوهش برای دستیابی به روایی هر چه بیشتر همزمان از دو واحد تحلیل بهره برده است به این معنی که هم جمله و هم بند به عنوان تحلیل انتخاب و بررسی شده‌اند.

یکی از راه‌های به دست کم رساندن برداشت‌های شخصی در نتایج پژوهش به دست آوردن «جهت‌گیری» و «نقاط تأکید» متن مورد بررسی است (افتخاری و نه‌ازی، ۱۳۹۰: ۲۸). قبل از ورود به تحلیل کلی متن لازم است محورهای مهم به دست آمده از اصل متن و گرایش‌های هر محور به دست آیند. در این پژوهش نیز ابتدا تمام بیانات و مکتوبات معظم له - که واحد ثبت پژوهش را تشکیل می‌دهند - با رویکرد به دست آوردن جهت‌گیری کلی و نقاط تأکید متون واکاوی شده است.

روایی و پایایی پژوهش: اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه‌گیری‌های نامناسب و ناکافی می‌تواند هر پژوهش علمی را بی‌ارزش و ناروا سازد. اعتبار در اصل به صحت و درستی اندازه‌گیری پژوهشگر برمی‌گردد (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۸۸).

یکی از راه‌های تعیین روایی، روایی صوری است. در این روش از ارزیابی کارشناسان برای تعیین روایی استفاده می‌شود. روایی این پژوهش با توجه به این که از نوع کیفی است توسط ده نفر از استادان صاحب‌نظر در حوزه پژوهش تأیید شده است.

پایایی ابزار که به آن اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز گفته می‌شود عبارت است از اینکه وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده، در شرایط مشابه، نتایج مشابهی داشته باشد. به عبارت دیگر ابزار پایا یا معتبر، ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری و سنجش نتایج یکسان برخوردار باشد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۵۳).

یکی از روش‌های تعیین پایایی، رابطه هولستی است.

$$PAO = 2A / (nA + nB)$$

در این رابطه PAO به معنی دپیگیری توافق مشاهده شده، A تعداد توافقی‌های بین دو کدگذار و nA و nB به ترتیب تعداد واحدهای کدگذاری شده از سوی کدگذاران A و B است. این رقم از صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است (محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

با توجه به کیفی بودن پژوهش، برای پایایی این پژوهش از رابطه هولستی استفاده شده است.

پایایی به وسیله رابطه هولستی برحسب دپیگیری توافق محاسبه شد.

A = تعداد مؤلفه‌های مشترک مورد تأیید دو نظریه دهنده خبره

nA = تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبره اول.

nB = تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبره دوم.

$$PAO = 2 * 21 / (21 + 22) = 0.97$$

نظر به اینکه براساس رابطه محاسبه شده عدد ۰/۹۷ به دست آمده است و این عدد بیش از ۰/۷ است، بنابراین نتیجه می‌شود این پژوهش از پایایی لازم برخوردار است.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} در مجامع مختلف پیرامون تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و مشتقات آن از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ است که براساس بیانات و مکتوبات ایشان-که در وبگاه دفتر تنظیم و نشر آثار معظم له موجود است-تحلیل گردید.

یافته‌های پژوهش

شناخت تهدیدها اولین گام برای رسیدن به درک درست از تهدیدها علیه امنیت ملی کشور است. نظام ج.ا.ایران در عرصه درگیری‌های بین‌المللی از همان ابتدا با تهدیدهای سخت و در ادامه تهدیدهای نرم روبرو بوده است که در مواردی همانند برپایی جنگ داخلی در سال‌های اول انقلاب، جنگ تحمیلی در دهه اول، تهاجم فرهنگی در دهه دوم و تلفیقی از تهدید سخت و نرم در دهه سوم نمود یافته است.

با توجه به اهمیت موضوع تهدیدهای سیاسی، چارچوب روشنی برای درک، شناخت و مقابله با این بعد از تهدید علیه امنیت ملی نظام ج.ا.ایران نیاز است که این مهم در بیانات، مکتوبات، تدابیر و خط مشی‌های مقام معظم رهبری قابل استخراج است. در این راستا برخی از مهم‌ترین مواردی که در تحلیل محتوای اندیشه‌های رهبری به دست آمده است به اختصار باهدف رسیدن به الگو قابل استخراج مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی داده‌ها نمایشگری از واقعیت‌ها، مفاهیم یا دستورالعمل‌ها است. چنانچه داده‌ها به‌صورت واژه و نه به‌صورت ارقام به توصیف واقعیت بپردازد آن‌ها را داده‌های کیفی می‌نامند. این نوع داده‌ها برای توصیف و تشریح شرایط محیط یک پدیده به‌کار می‌رود. علاوه بر این به‌کمک این داده‌ها می‌توان درباره روابط میان متغیرها و عمق ساختار آن به تدوین فرضیه پرداخت و سرانجام نظریه‌پردازی کرد. این‌گونه داده‌ها با مشاهده، استخراج از اسناد و مدارک و امثال آن گردآوری می‌شود. تنظیم و تحلیل داده‌های کیفی مستلزم انجام سه فعالیت است:

الف) تلخیص داده‌ها، ب) عرضه داده‌ها و ج) نتیجه‌گیری/تأیید (سرمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۰۷).
مطالب گردآوری‌شده پس از یک مرحله مطالعه تلخیص گردیده و موارد تکراری و غیر مرتبط آن حذف گردید؛ و سپس براساس چارچوب نظری، دسته‌بندی گردید؛ و عبارات مورد نظر در قالب جدول زیر عرضه و مورد تحلیل قرار گرفت و پس از بررسی با فن تحلیل محتوا در قالب نتیجه‌گیری نهایی ارائه گردید.

جدول شماره ۱: تحلیل محتوای تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه رهبری

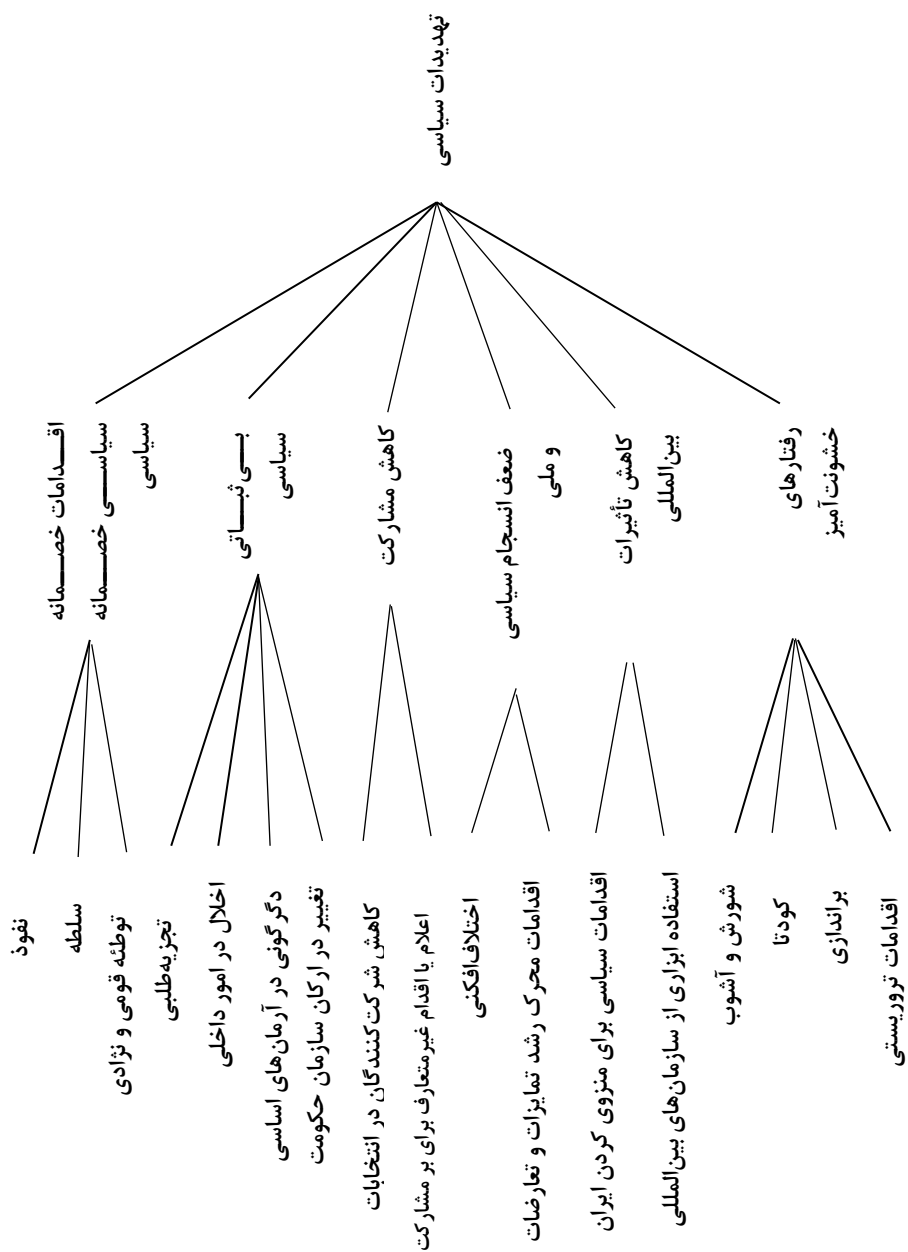
ردیف	متن کامل بیانات و متن انتخابی	خلاصه	مؤلفه	شاخص	نرم
۱	این ملت، ملتی نیست که با تهدید و ارعاب و حضور تهدیدآمیز قدرت‌های مادی که عادت کرده‌اند حرف خود را علیه ملت‌ها و جوامع به کرسی بنشانند	آمریکا با استفاده از ابزار تبلیغات به‌دنبال نشان دادن ایران	کاهش تأثیرات بین‌المللی	اقدامات سیاسی برای منسوی کردن ایران	نرم

			به عنوان تهدید علیه کشورهای خلیج فارس است.	پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقینی دشمن گوش دهد. این ملت می داند که قوی است و فهمیده که دارای اقتدار است. معنای این مانورها و این اجتماعات مبارک و منور این است. مانور ما، تهدید هیچ همسایه و هیچ ملت و دولتی نیست. با توجه تبلیغات آمریکایی و صهیونیستی و بوق هایی که در طول این هیجده سال، همواره خواسته اند ایران اسلامی را تهدیدی علیه کشورهای خلیج فارس نشان دهند، ملت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملت های همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی آورد (بیانات در اجتماع نیروهای شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس ۱۳۷۶/۰۲/۰۳)
نرم	نفوذ	اقدامات خصمانه سیاسی	بعضی از افراد هیئت دولت آن روز که در شورای انقلاب شرکت می جستند، کار دانشجویان را تخطئه می کردند و می گفتند چرا به سفارت	همان روزی که امام کاپیتولاسیون را در منبر عمومی و در ملا عام تخطئه و رد کردند، کسانی بودند که می گفتند نه، چه اشکالی دارد؟! این ها نه هویت ملی سرشان می شود، نه غیرت ملی سرشان می شود، نه عزت ملی می فهمند. یعنی چه! نه می دانند که استقلال یک ملت برای پیشرفت او چقدر اثر دارد؛ اصلاً حاضر نیستند فکر کنند! مردمان حقیر و پست و زبونی بودند؛ آن روز هم بودند؛

			امریکا رفتند؟! این‌ها دلشان آن طرف بود.	تو همه قشرها هم بودند. البته افراد کمی بودند. زیاد نبودند؛ اما بودند. در میان روشن‌فکران بودند، در میان قلم‌زن‌ها بودند، در میان ملبسین به این لباس روحانی‌نماها بودند؛ در میان قشرهای مختلف بودند. ... در همان روز هم من یادم است که در شورای انقلاب، بعضی از افراد هیئت دولت آن روز که در شورای انقلاب شرکت می‌جستند، کار دانشجویان را تخطئه می‌کردند و می‌گفتند چرا به سفارت امریکا رفتند؟! این‌ها دلشان آن طرف بود (بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا، ۱۲/۰۸/۱۳۷۸).
و...				
نرم	سلطه	اقدامات خصمانه سیاسی	استکبار بیداری اسلامی را تهدیدی برای سلطه ظالمانه خود بر دنیای اسلام می‌داند.	۳ امروز دشمن غدار امت اسلامی، گردانندگان مراکز استکباری و قدرت‌های فزونی‌طلب و متجاوز می‌باشند که بیداری اسلامی را تهدیدی بزرگ برای منافع نامشروع و سلطه‌ی ظالمانه خود بر دنیای اسلام می‌دانند. همه‌ی ملت‌های مسلمان و پیشاپیش آنان، سیاستمداران و علمای دین و روشن‌فکران و رهبران ملی کشورها، باید در برابر این دشمن

				متجاوز، صف متحد اسلامی را با استحکام هرچه بیشتر تشکیل دهند (مکتوبات، پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت کنگره عظیم حج، ۱۳۸۶/۰۹/۲۷).
سخت	اقدامات تروریستی	رفتارهای خشونت-آمیز	جنایت تروریست‌های بلوچستان چهره اهریمنی دشمنان امنیت و وحدت را که از سوی سازمان‌های جاسوسی برخی دولت‌های استکباری حمایت می‌شوند، بیش‌ازپیش آشکار ساخت. به شهادت رساندن مؤمنان فداکاری همچون سردار شجاع و با اخلاص شهید نورعلی شوشتری و دیگر فرماندهان آن بخش از کشور و ده‌ها نفر از برادران شیعه و سنی و فارس و بلوچ، جنایتی در حق ملت ایران و به‌ویژه منطقه بلوچستان است که این انسان‌های شریف، همت خود را بر امنیت و آبادی آن نهاده و مخلصانه برای آن تلاش می‌کردند (مکتوبات، پیام تسلیت به مناسبت شهادت ده‌ها نفر از برادران شیعه و سنی و تعدادی از فرماندهان سپاه، ۱۳۸۸/۰۷/۲۷).	۴

نمودار ۲: تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ا در اندیشه رهبری



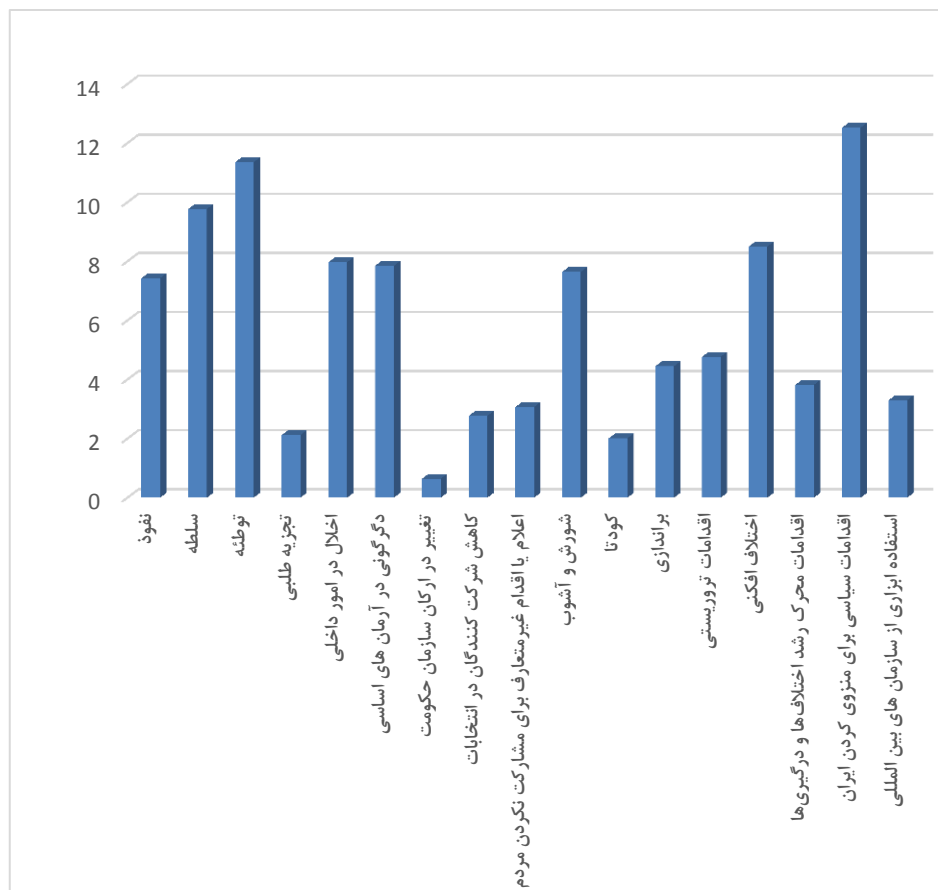
با توجه به نمودار بالا، سنجش فراوانی بیانات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی درباره تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران به این صورت خواهد بود.

جدول ۲: تحلیل کمی تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه رهبری

مؤلفه	شاخص	مصادیق	فراوانی	فراوانی درصد
اقدامات خصمانه سیاسی	نفوذ	نفوذ سیاسی- دشمن در صدد نفوذ- نفوذ آمریکا- نفوذ در ارکان نظام- نفوذ دشمن- عامل نفوذی- خطر نفوذ- رخنه	۷۰	٪۷/۴۳
	سلطه	سلطه سیاسی- سلطه جهنمی- سلطه جویی- سلطه بیگانه- سلطه گری- تسلط و تصرف- قدرت سلطه گر- قبضه کردن	۹۲	٪۹/۷۷
	توطئه	توطئه‌های پیاپی سیاسی- توطئه پیچیده- توطئه دائم- کانون توطئه- پایگاه توطئه آمریکا- ترفند- فریب- حيله گری	۱۰۷	٪۱۱/۳۵
نی‌بثاتی سیاسی	تجزیه طلبی	کمک به حرکات تجزیه طلبی- تجزیه ملت- جدا کردن منطقه- درگیری قومیتی- تحریک قومیت‌ها- طرح خاورمیانه بزرگ	۲۰	٪۲/۱۲
	اخلال در امور داخلی	اخلال در حرکت کلان نظام- دخالت آمریکا- دخالت در همه ابعاد- اقدامات تحریک آمیز- اخلال در کارها- دخالت بیجا	۷۵	٪۷/۹۷
	دگرگونی در آرمان‌های اساسی	وادار کردن ملت به عقب نشینی- گرفتن باورهای ملت- تردید در باورها- رویگردانی از هدف‌های ترسیم شده- تجدیدنظر در منش و روش انقلابی- اثبات اینکه ایران دوران گذشته انقلاب را تخطئه می‌کند	۷۴	٪۷/۸۵

تغییر در ارکان سازمان حکومت	نگاه نفی موجودیت آمریکا به ایران-منهدم کردن اساس جمهوری اسلامی	۶	۰/۶۴٪
کاهش مشارکت	کاهش شرکت- کنندگان در انتخابات	۲۶	۲/۷۷٪
	اعلام یا اقدام غیرمتمعارف برای مشارکت نکردن	۲۹	۳/۰۷٪
رفتارهای خشونت آمیز	شورش و آشوب	۷۲	۷/۶۴٪
	کودتا	۱۹	۲/۰۱٪
	براندازی	۴۲	۴/۴۵٪
	اقدامات تروریستی	۴۵	۴/۷۷٪
	اختلاف افکنی	۸۰	۸/۵٪

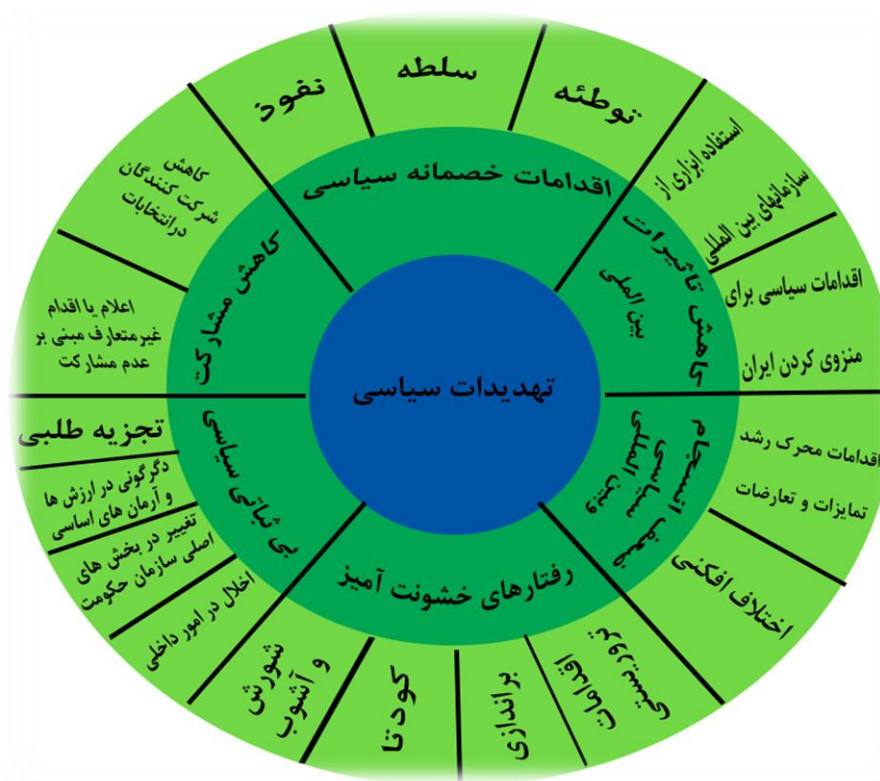
		اختلاف- دودستگی- دوجریانی	
		اقدامات محرك رشد اختلافها و درگیریها	لفاظی سیاسی- دامن زدن به مسائل- ایجاد سوء تفاهم و بی اعتمادی- القاء اختلاف و شکاف- بسیج مردم برای ایستادن مقابل نظام- چشم دوختن به نقاط ضعف
کاهش تأثیرات المللی	۱۱۸	اقدامات سیاسی برای منزوی کردن ایران	منزوی کردن ایرات- تهدید معرفی کردن ایران- علم کردن مسئله حقوق بشر- تبلیغ علیه ایران- اتهام زنی به ایران- قلم فرسایی علیه ایران- تحریک جو دنیا علیه ایران- محور شرارت قرار دادن ایران
	۳۱	استفاده ابزاری از سازمان های بین المللی	استفاده ابزاری از شورای امنیت- فشار بر سازمان ملل- نفوذ آمریکا بر شورای امنیت- سوء استفاده از سازمان ملل- شورای امنیت را در خدمت متجاوز قرار دادن- سازمان ملل در مشت قدرت ها
	۹۴۲	جمع	
	۱۰۰٪		



جدول

با توجه به جدول تحلیل محتوای بالا و تأمل و دقت نظر در فرمایشات مقام معظم رهبری شمای کلی زیر را می توان به عنوان الگوی تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه رهبری ارائه نمود.

نمودار ۴: الگو مفهومی تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در کلام رهبری



نتیجه گیری

اولویت و ارزشمندی امنیت برای مردم و حکومت و تعریف «صیانت از امنیت در برابر هرگونه تهدید»، به عنوان نخستین رسالت حکومت‌ها، دلالت بر آن دارد که «شناخت تهدید» و رسیدن به اصول و الگوهایی که قابلیت تفسیر، تحلیل و درنهایت تجویز را داشته باشند، نه یک نیاز نظری صرف، بلکه ضرورتی حیاتی به شمار می‌آید که با منافع حیاتی هر حکومت در ارتباط است؛ بنابراین از آنجاکه همواره در شناسایی تهدید مشکلاتی وجود دارد و عینی یا ذهنی بودن موضوع و تشخیص تهدیدها از نظر افراد و دستگاه‌های مختلف متفاوت است در این پژوهش تلاش شد تا با بهره‌گیری از اندیشه‌های مقام معظم رهبری، دیدگاه‌های ایشان به عنوان الگویی قابل استفاده ارائه گردد. در این الگو مؤلفه‌های تشکیل دهنده تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه

ج.۱.۱. ایران اقدامات خصمانه، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش مشارکت، ضعف انسجام سیاسی و ملی، کاهش تأثیرات بین‌المللی و رفتارهای خشونت‌آمیز هستند. شاخص‌های این مؤلفه‌ها را به‌ترتیب نفوذ، سلطه، توطئه، تجزیه‌طلبی، اخلال در امور داخلی، دگرگونی در آرمان‌های اساسی، تغییر در ارکان سازمان حکومت، کاهش شرکت‌کنندگان در انتخابات، اعلام یا اقدام غیرمتعارف برای مشارکت نکردن مردم، اختلاف‌افکنی، اقدامات محرک رشد اختلاف‌ها و درگیری‌ها، اقدامات سیاسی برای منزوی کردن ایران، استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی، شورش و آشوب، کودتا، براندازی و اقدامات تروریستی تشکیل می‌دهند.

درمجموع با توجه به تجزیه و تحلیل انجام شده با روش تحلیل محتوا در رهنمودهای مقام معظم رهبری جمع‌بندی به‌دست آمده از احصاء و استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و جداسازی این شاخص‌ها به عوامل سخت و نرم به‌شرح جدول‌های زیر می‌باشند:

جدول ۳: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تهدیدهای سیاسی آمریکا علیه ج.۱.۱. ایران در اندیشه رهبری

مؤلفه	شاخص
اقدامات خصمانه سیاسی	نفوذ
	سلطه
	توطئه
بی‌ثباتی سیاسی	تجزیه‌طلبی
	اخلال در امور داخلی
	دگرگونی در آرمان‌های اساسی
	تغییر در ارکان سازمان حکومت
رفتارهای خشونت‌آمیز	شورش و آشوب
	کودتا
	براندازی
	اقدامات تروریستی

اقدامات سیاسی برای منزوی کردن ایران	کاهش تأثیرات بین‌المللی
استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی	
کاهش شرکت‌کنندگان در انتخابات	کاهش مشارکت
اعلام یا اقدام غیرمتعارف برای مشارکت نکردن مردم	
اختلاف‌افکنی	ضعف انسجام سیاسی و ملی
اقدامات محرک رشد اختلاف‌ها و درگیری‌ها	

جدول ۴: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تهدیدهای سخت سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه رهبری

مؤلفه	شاخص
بی‌ثباتی سیاسی	تجزیه‌طلبی
کاهش تأثیرات بین‌المللی	استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی
رفتارهای خشونت‌آمیز	شورش و آشوب
	کودتا
	براندازی
	اقدامات تروریستی

جدول ۵: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تهدیدهای نرم سیاسی آمریکا علیه ج.ا.ایران در اندیشه رهبری

مؤلفه	شاخص
اقدامات خصمانه سیاسی	نفوذ
	سلطه
	توطئه
بی‌ثباتی سیاسی	اخلال در امور داخلی
	دگرگونی در آرمان‌های اساسی
	تغییر در ارکان سازمان حکومت
کاهش تأثیرات بین‌المللی	اقدامات سیاسی برای منزوی کردن ایران
کاهش مشارکت	کاهش شرکت‌کنندگان در انتخابات

اعلام یا اقدام غیرمتعارف برای مشارکت نکردن مردم	ضعف انسجام سیاسی و ملی
اختلاف افکنی	
اقدامات محرک رشد اختلاف‌ها و درگیری‌ها	

پیشنهاها

۱. به کار علمی برای بومی و اسلامی نمودن متون امنیتی به‌ویژه در حوزه مبانی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور اهمیت بیشتری داده شود.
۲. دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی جامعه اطلاعاتی و امنیتی کشور در تولید، توسعه و به‌کارگیری دانش امنیتی بومی و اسلامی برپایه فرمایشات مقام معظم رهبری اهتمام نمایند.
۳. کارگروه تهدیدشناسی در جامعه اطلاعاتی و امنیتی کشور تشکیل و با برگزاری جلسات نوبه‌ای و بنا به نیاز، برای وحدت رویه نسبت به شناسایی تهدیدهای کشور در ابعاد مختلف و اعلام به سازمان‌های مرتبط اقدام نمایند.
۴. الگوی بومی شناخت و سنجش تهدیدها از دیدگاه مقام معظم رهبری تدوین و در اختیار سازمان‌های مرتبط قرار گیرد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵). *کالبدشکافی تهدیدات*، تهران، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
۳. افتخاری، اصغر و نهازی، غلامحسین. (۱۳۹۰). «*امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری*»، فصلنامه دانش اجتماعی، سال دوازدهم، شمار دوم.
۴. بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم دولت‌ها و هراس*، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر راهبردی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری.
۶. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹). *مدیریت بحران*، تهران، فرهنگ گفتمان.
۷. خاکی، غلامرضا، (۱۳۷۸). *روش پژوهش با رویکردی به پایان‌نامه نویسی*، تهران، مرکز پژوهش‌ها علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
۸. راجردی، ویمر و آردومینیک، جوزف. (۱۳۸۴). *پژوهش در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاوس سید امامی، تهران، سروش و مرکز پژوهش‌ها مطالعاتی و سنجش برنامه‌ای.
۹. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴). *فن‌های خاص پژوهش در علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. زیگرید، فتح، (۱۳۸۸). *آمریکاستیزی در جهان اسلام*، ترجمه حسن سعید کلاهی و احمد تقی زاده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۳). *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری*، چاپ دهم، تهران، انتشارات آگاه.

۱۲. عباسی، محمد، (بهار ۱۳۹۱). «ارزیابی روند ادراک تهدید ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، شماره ۳۷.

۱۳. عبدالله‌خانی، علی و کاردان، عباس، (۱۳۹۰). *رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران*، موسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌ها بین‌المللی ابرار معاصر ایران، تهران.

۱۴. کریپندورف، کلوس، (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا*، ترجمه: هوشنگ نایب، تهران، انتشارات روش.
۱۵. ماندل، رابرت، (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۶. لای، مک‌کین و لتیل، آر، (۱۳۸۰). *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۷. لنکستر، لین و (۱۳۷۰). *خداوندگان اندیشه سیاسی*، علی رامین، تهران، امیرکبیر.
۱۸. مرادیان، محسن، (۱۳۸۸). *روش پژوهش در علوم اطلاعاتی*، تهران، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.

۱۹. مرادیان، محسن، (۱۳۸۹). *مبانی نظری امنیت*، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
۲۰. محمدی مهر، غلامرضا، (۱۳۸۷). *روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی پژوهش)*، تهران، انتشارات گنجینه علوم انسانی- دانش نگار.

۲۱. موجانی، علی، (۱۳۷۵). *بررسی مناسبات ایران و آمریکا*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۲. هابز، توماس، (۱۳۸۰). *لویاتان*، حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

23. <http://www.khamenei.ir>

24. Eisenstadt Michael, (2006) Iran: *The Complex Calculus of Preventive Military Action*, WINEP, 25 September, p.2.